



6 جون 2017

داکتر سيد عبدالله کاظم

شهر کابل شاهد رویدادهای مهم از روز چهارم تا هشتم ثور سال 1357 ش (از 24 تا 28 اپریل 1978 م)

بخش یازدهم

چگونه اجساد گم شده پس از سی پیدا شدند؟

توظیف کمسیون برای پیدا کردن محل دفن اجساد:

در بخش قبلی از 18 تن کسانی نام برده شد که در روز 7 ثور و فردای آن در قصر گلخانه جام شهادت نوشیدند. از آنروز تا 30 سال هیچکس به فکر آن نیفتاد که در پی یافتن گورستان گمنام این شهداء از ترس رژیم دست بکار شود، چه رژیم خلقی - پرچی هرگز نمیخواست، سلسله این جنایت و جنایات بعدی شان برملاء شود و میخواستند خاموشانه بر آن سرپوش بگذارند تا گذشت روزگار آنها را از یاد ببرد. این روحیه بعد از سقوط رژیم کمونیستی داکتر نجیب کامکان ادامه یافت و حکومت تنظیمی و همچنان طالبان که همه در ضدیت با جمهوری محمد داؤد و شخص خودش قرار داشتند، از پیگیری موضوع طفره رفتند و گذاشتند تا اجساد آن شهداء همچنان نامعلوم و در زیر خاک پوشیده و از نظر ها پنهان بماند.

اما وقتی صفحه تاریخ برگشت، رژیم کمونیستی، تنظیمی و طالبی از قدرت افتادند، این امید پیدا شد که شاید نظام جدید در اثر تقاضای رسانه ها و بعضی اشخاص برای جستجوی قبر محمد داؤد به حیث اولین رئیس جمهور افغانستان و یکی از شخصیت های برجسته تاریخ معاصر کشور دست بکار شود. این آرزومندی هفت سال بعد با دریافت نشانه هایی از محل دفن آن شهداء جامه عمل پوشید و حامد کرزی رئیس جمهور آنوقت کشور با صدور یک فرمان در سرطان 1387 ش (جون 2008 م) هیئتی را مؤظف اینکار ساخت.

در فرمان مذکور آمده است که: «به منظور ارج گذاری به مقام والای شخصیت ملی کشور شهید محمد داؤد خان، اولین رئیس جمهور افغانستان که در نتیجه کودتای خونین هفت ثور سال 1357 با اعضای فامیل شان جام شهادت نوشیدند، کمسیونی به خاطر جستجو جهت دریافت مدفن و اعمار مرقد ایشان و خانواده مرحومی به ترتیب ذیل مؤظف میگردد..»

این کمسیون تحت ریاست امرالله صالح، رئیس امنیت ملی و به اشتراک نمایندگان با صلاحیت وزارت های دفاع، داخله، اطلاعات و فرهنگ، و نماینده شورای ولایتی کابل و محمد نادر نعیم به حیث اعضای آن برای عملیات جستجوی مدفن مرحومی توظیف شدند و طوریکه در فرمان ذکر شده است که کمسیون: «نتیجه را همراه با پیشنهادات در مورد اعمار مرقد آن شهید والا مقام طی مدت یک ماه به مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ارائه نماید.»

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در اولین گزارش کمیسیون که تقریباً یک ماه بعد از صدور فرمان فوق به روز شنبه مورخ 26 اسد 1387ش (16 اگست 2008م) از طریق یک کنفرانس خبری منتشره آژانس پژواک اعلام گردید، چنین آمده است: «داؤد خان و اعضای خانواده وی در ساحه شرق کابل، عقب حربی پوهنتون در یک مخروبه زیر خاک شده اند. کمیسیون بعد از تلاش بسیار زیاد و به همکاری کارمندان سابق استخبارات و اردو این محل را دریافت و نشانی نموده است.»

کمیسیون در دومین گزارش خود که به روز پنجشنبه مورخ 14 قوس 1387ش (4 دسمبر 2008م) از طرف دفتر روابط عامه وزارت صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان رسماً به نشر رسید، چنین اعلام کرد:

اعلامیه مطبوعاتی دولت

«کابل 14 قوس 1387: طبق حکم شماره 645 جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان کمیونی برای شناسائی و تثبیت جسد اولین رئیس جمهور شهید افغانستان سردار محمد داؤد خان و اجساد اعضای خانواده مرحومی شان، به ریاست محترم داکتر فیض الله کاکر معین مسلکی وزارت صحت عامه و شش تن عضو هریک محترم دگر جنرال محمدحسن خان رئیس امنیت و دفاع اداره امور، محترم جنرال پادشاه میر، محترم داؤد هاشمی، محترم سردار نادر نعیم، محترم سردار محمود غازی، محترم قاسم باز و ملک مولاگل مؤظف گردید. به کمیسیون مؤظف مذکور وظیفه سپرده شد تا با توجه به علایم و مشخصات خاص شهداء و با استفاده از امکانات طب عدلی، مساعی مشترک خود را به کار انداخته و گزارش مکمل کاری خود را به مقام محترم ریاست جمهوری تقدیم نماید، تا طوریکه جلالتمآب ایشان لازم دانند، طی مراسم بلند و شکوهمند دولتی آخرین بزرگداشت و تدفین شهدای مذکور را هدایت خواهند فرمود.

"دوماه بعد از توظیف، کمیسیون توانست با در نظر داشت علایم فارقه اسکلیت ها، کلیشه دندانها، لباس و قامت اجساد، قسمت جسد که مرمی به آن اصابت نموده و اطلاعات و گفته های واصله اقارب 9 تن از اعضای خانواده مرحومی شهید سردار محمد داؤد خان را شناسائی نماید"، این سخنان را داکتر فیض الله کاکر معین امور مسلکی وزارت صحت عامه و رئیس کمیسیون نامبرده اظهار داشتند. ایشان علاوه نمودند: "اما بعد از آن کمیسیون در مجموع 29 جسد در پولیگون پلچرخ و 93 جسد در تپه مرنجان را مورد آزمایش قرار داد که این آزمایش شامل به کارگیری شیوه های مختلف مسلکی و تجربی، مصاحبه ها، دید و بازدید ها با اقارب، دوستان و همکاران و در مورد شخص داؤد خان، در آخرین مورد مقایسه قالب دندانهای مصنوعی که فعلاً در موزیمی در کشور آلمان نگهداری میگردد، احتمال ما را به یقین تبدیل نمود، زیرا قبلاً نسخه مطالی مصحف شریف - تحفه شاه عربستان - را نیز از بقایای لباس شان دریافت داشته بودیم."»

در اعلامیه اسمای شهدای شناسائی شده خانواده سردار محمد داؤد خان به شمول شخص مرحومی وی با نام ها و سال تولد شان قرار ذیل میباشند: [برای جلوگیری از طوالت و تکرار متن از القاب "سردار" و "شهید" که در متن اصلی تذکر یافته است، به دلیل اینکه همه آنها "شهید" بوده اند و نیز چون محمد داؤد از کاربرد لقب "سردار" برای خود و فامیل خود منصرف شده بود، صرف نظر میگردد و تنها سال تولد هریک در بین قوسین درج میشود.]

1 - محمد داؤد (1909) رئیس جمهور؛ 2 - محمد نعیم خان (1911) برادر رئیس جمهور؛ 3 - نظام الدین غازی (1938) داماد محمد داؤد؛ 4 - محمد عمر (1935) پسر محمد داؤد؛ 5 - ویس (1947) پسر محمد داؤد؛ 6 - خالد (1947) پسر محمد داؤد؛ 7 - میرمن زینب خانم محمد داؤد؛ 8 - عایشه خواهر محمد داؤد؛ 9 - شینکی (1940) دختر محمد داؤد؛ 10 - زرلشت (1955) دختر محمد داؤد؛ 11 - زرمینه (1937) دختر محمد نعیم خان؛ 12 - شیما (1947) خانم ویس داؤد؛ 13 - غزال (1965) دختر عمر داؤد؛ 14 - صفورا (1965) دختر زرمینه، نواسه محمد نعیم خان؛ 15 - حارث (1973) پسر ویس داؤد، 16 - وایگل (1975) پسر ویس داؤد.

در ادامه اعلامیه آمده است: «کمسیون این امر را یک دست آورد بزرگ برای کافه ملت افغانستان دانسته و آنرا به شخص جلالتمآب رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان محترم حامد کرزی، به بازماندگان خانواده سردار محمد داؤد خان به خصوص سردار [محمد داؤد] محمود غازی، هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور و در نهایت به تمام تیم کاری کمسیون اعم از متخصصین طب عدلی، متخصصین شفاخانه ستوماتولوژی، انستیتیوت ملی صحت عامه و سایر همکاران که از هیچ گونه تلاش های پیهم، خسته گی ناپذیر و شبها روزی دریغ نورزیده، چنین یک رسالت بزرگ ملی را به وجه احسن، احترام خاص و خلوص نیت به انجام رسانیدند.»

(پایان اعلامیه وزارت صحت عامه، دفتر روابط عامه)

چگونه محل دفن اجساد پیدا شد؟

مسلم است که سران خلقی و پرچمی و تعداد انگشت شمار نظامیان آنها از این موضوع آگاه بودند که جنازه شهدای 7 ثور را در کجا دفن کرده اند، ولی هیچ یک آنها تا روز زوال خود و از آن به بعد تا سالهای دیگر زبان به کلام باز نکردند و حرفی در باره نگفتند، تا آنکه بعد از 30 در وقت ریاست جمهوری حامد کرزی توجه به این موضوع معطوف گردید، ولی تا آنوقت کسی دقیقاً از محل دفن اجساد معلومات نداشت. بعد از نشر اعلامیه اول شخصی بنام جنرال "پادشاه میر" که در "خوست" اقامت داشت، وقتی از رادیو تلویزیون شنید که رئیس جمهور کمسیونی را برای جستجوی محل دفن شهدای 7 ثور تعیین کرده است، فوری با کرزی به تماس شد و معلومات دست داشته خود را در زمینه بیان کرد. حامد کرزی او را فوری احضار و با اعضای کمسیون همکار ساخت.

جنرال پادشاه میر یکی از صاحب منصبان اردو بود که در وقت شاهی به حیث افسر تانکیست در قوای 4 زره دار به رتبه جگتورن ایفای وظیفه میکرد و از آنجا به قول اردوی پکتیا تبدیل شد. پس از کودتای 26 سرطان 1352 دولت جمهوری به ارتباط هواداری وی از رژیم شاهی بر او مظنون شد و او را از بست نظامی بیرون و در بست ملکی و غیرمحراب به حیث آمر حفظ و مراقبت قوای 4 زره دار مقرر کرد. در همین وظیفه مشغول خدمت بود، تا آنکه کودتای 7 ثور صورت گرفت. او شاهد رویداد هایی بود که ظرف چند روز متعاقب کودتای منحوس ثور در ساحه قوای 4 رخ داد.

در آن روز ها پادشاه میر شاهد حوادثی گردید که از اسرار رژیم کودتائی بود. او ترسید تا مبادا کودتاچیان برای اختفای آن رازها، او را از بین ببرند. لذا از جمله اولین کسانی بود که از کابل فرار و به پاکستان رفت. در آنجا هنوز داعیه جهاد گرم نشده بود که با آمدن حضرت صیغت الله مجددی به پشاور، پاچا میر نیز با او همکار گردید و حضرت صاحب او را در تشکیلات مجاهدین جا داد و تا

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

رتبه جنرالی ارتقا کرد و اداره کرزی بعداً رتبه جنرالی او را تصدیق نمود. (برای شرح مزید دیده شود بخش دوم مصاحبه جنرال پادشاه میر با "رادیوی آزادی"، برگرفته از کتاب "و آن گلوله باران بامداد بهار"، نوشته داکتر صبورالله سیاه سنگ، صفحه 29 تا 38)

حالا جریان موضوع را از زبان خود جنرال پادشاه میر بشنوید که طی یک مصاحبه با حمید مهمند - گزارشگر "رادیو آزادی" (بخش اول) منتشره مورخ 11 سرطان 1387ش (2 جولای 2008) به پشتو انجام داد و داکتر سیاه سنگ در کتاب فوق الذکر خود برگردان دری آنرا به نشر سپرده است که اینک فشرده آن خدمت تقدیم میشود:

جنرال پادشاه میر می گوید: «پنجشنبه 7 ثور 1357 کودتا شد، فردایش که روز پایان یافت، ساعت 12 شب مرده ها را آوردند. موتر آمد. آنوقت من مدیر حفظ و مراقبت قوای 4 زره دار بودم. امر شد که خود را با عسکرها به پولیگون برسانم. با آنها یکجا به پولیگون رفتم. موتر ها از سوی شهر می آمدند و چراغهای شان از دور به چشم میخورند. با خود گفتم: خدایا در این نیم شب موتر ها از کدام طرف به پولیگون آمدند. اولین موتری که رسید، جیپ وزارت دفاع بود. پس از سلام و مانده نباشی، پرسیدم: برادر خیریت باشد؟ چطور آمده اید؟ گفتند: مرده های داؤد خان و خانواده اش را آورده ایم و میخواهیم در اینجا که قبلاً موضع نظامی (زمین حفر شده برای تانک) بود، برای شان جای پیدا کنیم. گفتم: خیلی خوب.» (صفحه 22)

او می افزاید: «اسلم وطنجار که در کودتا هم نقش داشت و در قوای 4 زره دار بود، میدانست که کدام قسمتهای زمین برای موضع کنده شده بودند. او گفت: اینجا یک موضع قبلی تانک وجود دارد. گودالها پیشاپیش کنده شده بودند. پس از موتر های جیپ، یک زیس [موتر لاری نوع روسی] نو آمد و به سوی گودال وضع ریورس [بطرف عقب] شد. به من گفتند: عسکرها را بگو که مرده ها را پائین کنند. عسکر ها یکی یکی به پائین کردن مرده ها شروع کردند. خودم به لحد پائین شدم. اولین کاری که کردم، روی اجساد را به سوی قبله گرداندم. وقتی که امروز گور ها را باز کردند، خوشبختانه همه اسکلتها رو بسوی قبله دیده می شدند. تریپال یکی از موترها را باز کردم و به راننده موسپیدش گفتم: آزرده نمیشوی، اگر این تریپال را بگیرم و به روی مرده ها ببندازم؟» (صفحه 23)

پادشاه میر به جواب سؤالی در باره تعداد مرده ها در این موتر گفت که: «تقریباً سیزده نفر را زیر خاک کردیم، سیزده نفر... در میان آنها سه زن بود و دیگران همه مردها. سیزده مرده را همان شب آوردند و دیگران را شب بعدی. از آنجائیکه سه شبانه روز بیدار خوابی کشیده بودم، به خانه ام به شهر آمدم. به گفته معاونم ضابط شاه ولی خان، شانزده مرده دیگر را که زیادتر شان زنها بودند، 25 قدم دورتر در موضع دیگر (کنده شده برای تانک) آورده شدند. فردای آن روز شاه ولی خان ضابط گفت: امر صاحب شما دیشب نبودید، مرده های دیگر را هم آوردند. پرسیدم که آیا آنها را شناختی؟ گفت: نه، نشناختم. اما دیدم که زنها و کودکان زیاد و مرد ها کم بودند.» (صفحه 23 و 24)

در برابر سؤال دیگر که آنها به چه وسیله کشته شده بودند، پادشاه میرگفت: «دروغ گفتن گناه است و شب بود. چهره ها درست دیده نمی شدند. همه خون آلود بودند. دستهایم در وقت اینسو و آنسو کردن شان به خون آغشته می شدند و آنها یکسره گلوله باران شده بودند. از سوی شب تاریک بود و از سوی دیگر می گفتند که مرده ها را به عجله پائین کنید. پس از مرگ چهره ها تغییر میکند. مرده ها

درست شناخته نمی شدند... ولی از ساختمان بدن، درشتی اندام و کوتاهی قامت، حدس زدیم که باید [آن یکی] داؤد خان باشد.»



قبر دسته جمعی شهید محمد داؤد و تعدادی از خانواده او که در پولیگون پلچرخی دفن شده بودند و بعد از گذشت سی سال این گورستان گمنام کشف گردید.

او در پاسخ به سؤال دیگر که اجساد را چه کسانی می آوردند، افسران بلند رتبه یا عسکرهای عادی، گفت: «در راس آنها نوراحمد نور وزیر داخله بود. نمیدانم که او حالا در کدام کشور زندگی میکند. دیگران وزیر هایی بودند که نمی شناسم. یک از آنها از اسلم [وطنجار] پرسید: آیا این افسر که در پائین سرگرم کار است، ملگری (رفیق حزبی) است، یانه؟... آنها میخواستند که این راز فاش نشود و مرده ها همانجا ناپدید شوند.... بعد یکی آنها گفت که او (اشاره به من) رفیق حزبی نیست!»



قبر دسته جمعی برخی از خانواده شهید محمد داؤد که بیشتر شان اطفال و زنان بودند و در پولیگون پلچرخی در نزدیکی قبر اول قرار دارد.

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

جنرال پادشاه میر به این نکته اشاره میکند که: «بعداً بزرگان و کسانی در سطح وزیرها را آنجا می آوردند و تیرباران میکردند. وزیرهای خیلی خوب بودند. البته پس از آنکه میزدند و به شهادت می رساندند، می گفتند: به کسی نمی گوئیم، انکار میکنیم و کارمخفی است، زیرا اینها بدون محاکمه کشته میشوند... اینها اعضای کابینه داؤد خان بودند. یکی وفی الله سمیعی وزیر عدلیه بود و دیگری وزیر خارجه. برای آنکه می گفتند وزیر خارجه را پائین کنید. جمعاً هشت نفر بودند. آنها را هشت شب پس از کشتن سردار صاحب شهید، زنده آوردند و گفتند از کشتار شان منکر می شویم.» (صفحه 52)



(جنرال پادشاه میر شاهد عینی حوادث آن شب با ملک ملا گل نشان دهنده محل دفن اجساد)

«یکی دیگر از آن میان موسی شفیق بود. از او هم سؤال میکردند، او در جواب میگفت: من بسیار بیگناه هستم. درخانه ام سطرنجی هموار است، اولاد چیزی ندارم. چیز دیگر در بساطم نیست. اینها گفتند: تو آب هیلمند را فروخته ای. او گفت: تو (به نوراحمد نور گفت: تو)، اناهیتا راتب زاد، ببرک کارمل و حفیظ الله امین همه وکیل های شورا بودید. شما پاس کردید و من که صدراعظم آن وقت بودم، امضا کردم. بحث مستقیماً در همان جا شروع شد. بعد از گفتگو موسی شفیق را کشتند. پس از او وزیر عدلیه را از موتر پائین کردند. اینها آتش میکردند و آنها می گفتند: الله اکبر و به زمین می افتادند. احساسات آنها را نمی توانستم بدانم. از یکسو تاریکی شب بود و از سوی دیگر فیر کننده گان کلاه های داشتند با دو سوراخ برای چشمها. چیزی از چهره شان دیده یا خوانده نمیشد. آنها کلاشنکوف به دست، از پشت موتر جیب بیرون می آمدند، از هشت متری فیر میکردند و واپس به پشت جیب میرفتند... پس از او [موسی شفیق] وفی الله سمیعی وزیر عدلیه را از موتر پایان آوردند و با او مشاجره را شروع کردند. به او گفتند: دیروز شما ما را بر لب گور رسانده بودید. امروز خودتان بر لب گور ایستاده اید.» (صفحه 36)

پادشاه میر خان در پاسخ به سؤالیکه آیا نور احمد نور خودش امر فیر بر آنها را میداد، گفت: «نه! نه! او نه قومانده داده و نه به دست خود کشته است. او بخاطری نکشته است که وقتی گپ هایش ختم می شد، همان شخص نظامی کلاشینکوف بدست که در پشت جیب ایستاده بود، می آمد و در پیش روی جیب می ایستاد و بدون آنکه کسی به او امر کند، خود بخود فیر میکرد و اینها را به شهادت میرساند. نور به آنها قومانده نمیداد که بزنید یا خوب یا بد. هر آنچه گفتیم در پیش چشم خودم رخ داده است.» [این مشخصه ثابت می سازد که اینها همان کوماندو های روسی بودند که حادثه خونبار قصر گلخانه و قتل 18 نفر از خاندان محمد داؤد را به همین شکل انجام دادند.]

پادشاه میر خان می افزاید: «درهمین دشت روسها آمدند و تانکهای شان همه جا را کند و کپر کردند. در دلم گشت که ممکن است روزی خداوند افغانستان را آزاد سازد. من از جایی که داؤد خان در ته آن به خاک سپرده شده بود، با قدمهایی به خطوط یک متر اندازه گرفتم: دقیق 65 متر دور از سرک [در ویرانه های پشت حربی پوهنتون، نزدیک زندان پلچرخ، 18 کیلومتری شرق کابل] آمدم و این

د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

عدد 65 متر را جایی یادداشت کردم. با خود گفتم که شاید روزی افغانستان از چنگال کمونیستها آزاد شود. آنوقت، روسها نبودند، همین کمونیستها بودند. گفتم میادا این گورستان که آرامگاه یک شخصیت است، گم شود. در این دوماه گذشته جاهای گوناگونی به اثر گزارشهای نادرست مردم کنده و کشوده می شدند و اثری به چشم نمیخورد.» (صفحه 28 و 29)

حمید مهمند گزارشگر "رادیو آزادی" که با جنرال پادشاه میر مصاحبه داشت، در آخر از او پرسید که: «جنرال صاحب! از معدود کسانی که راز جایگاه گور دسته جمعی داؤد خان و خانواده اش را در سینه داشتند، یکی شما استید. حالا که این گورستان پیدا شده و مرده ها از آن بیرون کشیده شدند، چه احساسی دارید؟ او در جواب گفت: «وقتی به سرخاک سردار داؤد خان میرفتم، سردار نادر جان و سردار محمود جان [محمد داؤد محمود غازی] (نواسه های داؤد خان) با من می بودند. آنها به پاس گرامیداشت پدر بزرگ شان از سر صبح آنجا میرفتند و خاکها را با انگشتان شان اینسو و آنسو میکردند تا استخوانها آسیب ندیده به دست این دو، دل شان برای مرده های شان بسیار میسوخت. استخوانها را به شفاخانه امنیت ملی آوردیم تا نظر به تصمیم رئیس جمهور یا امنیت ملی یا حکومت شناسائی شوند. البته شناسائی هویت ممکن نیست برای آنکه همه اش استخوان است.»

او در پایان مصاحبه چنین گفت: «خوش هستم من حیث مسلمان، تا امروز در هر گوشه جهان، چه کفر و چه اسلام، اگر رئیس جمهور مرده، جسدش گم نشده است. آنهم رئیس جمهوری مانند داؤد خان که بسیاری از مردم افغانستان در مرگش غمگین شدند. با یافت گورش حالا احساس میکنم که داؤد خان زنده شده است و خیلی خوشحالم که گورش یافت شد و مردم خواهند توانست به زیارتش بروند.»

انتخاب محل بازدفن رمیم شهداء:

طوریکه در اعلامیه دوم رسمی دولت، منتشره وزارت صحت عامه دولت جمهوری اسلامی افغانستان توضیح شد، جمعاً 18 نفر از خانواده شان که در روز 8 ثور 1357ش به شهادت رسیدند، به تعداد 16 جسد در دو قبر دسته جمعی در حواشی پولیگون پلچرخي دفن گردیده بود، تثبیت و هویت بعضی از آنها به شمول شخص محمد داؤد شهید شناسائی گردیدند. متأسفانه جسد میرمن بلقیس خانم تیمور شاه آصفی و جسد هیله دختر عمر داؤد بدست نیامد.



آرامگاه ابدی شهید محمد داؤد اولین رئیس جمهور افغانستان

د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

پس از کشف و تثبیت هویت بعضی از اجساد، قدم دوم همانا باز دفن رمیم شهداء بود، که باید در زمینه تصمیم اتخاذ میگردید. نظریات مختلف از طرف مردم و بعضی شخصیت ها ابراز گردید و حتی مردم قندهار تقاضا داشتند که رمیم شان در قندهار به خاک سپرده شود و برخی نظر دادند که در حوضه آبائی این خاندان در تپه مرنجان دفن شوند و اما با پیشنهاد بسیار اشخاص به شمول چند فرد نزدیک به خاندان با تفاهم ریاست جمهوری به توافق رسیدند که محل دفن در ساحات غرب کابل بر بالای تپه ای در حواشی بین قوای مرکز و فرقه 8 ریشخورتعین گردد. با تائید این پیشنهاد محلی در آن قسمت ها مشخص گردید و رمیم شهداء پس از مراسم رسمی رمیم هر یک در قبرهای جدا گانه بخاک جمهوری بعمل آمد، بدانجا انتقال یافت و طی مراسم رسمی رمیم هر یک در قبرهای جدا گانه بخاک سپرده شدند. علاوه بر نظر است تا در آن محل بر قبر محمد داؤد شهید و احتمالاً باقی شهدای خانواده او بزودی گنبدی در خور شأن اعمار گردد و به اطراف و ملحقات آن به شکل لازم توجه بعمل آید. (کلیپ ویدئویی این مراسم در یوتیوب قابل دسترسی است)



آرامگاه ابدی خانواده محمد داؤد در بلندی های غرب کابل

(ادامه در بخش اخیر)

از معلومات ذیل که محترم محمد قاسم باز یکی از اعضای کمیسیون شناسائی محل دفن شهداء و کسیکه در زندان پلچرخ با ما یکجا بود و پدر و برادرانش نیز به شهادت رسیدند، در ستون نظر سنجی پورتال وزین افغان جرمن آنلاین ارائه فرموده اند، یک جهان سپاس و اینک متن تبصره شانرا به حیث تکمله این نوشته با تشکر درج این بخش میدارم:

استاد محترم جناب داکتر صاحب کاظم!

غرض معلومات بیشتر این چند سطر ذیل را بخاطر غنا تحقیق و ریسرچ پریهای تان که زیر دست دارید همراهی

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

شما شریک میسازم. اولین شخص که به طرفداری و دفاع نظام جمهوری در حصه یکه توت سرک کابل پلچرخه به شهادت رسید جگرن سردار خان محمد خان جهانگیری بهسودی قوماندان قطعه انضباط شهری گانیزیون کابل بود که همراهی یک صاحب منصب یک عسکر دریور و یک محافظ به شهادت رسیدند.

دومین کشتار وحشیانه حزب دیموکراتیک؟ خلق که به ده ها صاحب منصب عالی رتبه قوای هوایی را در خواجه رواش میدان هوایی عسکری در روز منحوس هفت ثور ۱۳۵۷ تیر باران نموده و به شهادت رساندند عبارت اند از: ۱- موسی خان قوماندان عمومی قوای هوایی، ۲- مرتضی قل سر انجینیر قوای هوایی، ۳- به ده ها صاحب منصب عالی رتبه قوای هوایی که اسمای شانرا فراموش کردم.

سومین کشتار بی رحمانه قطعات گارد جمهوری به شمول دگرمن محمد سرورخان چپرهارای قوماندان کندک تانک و یا پیاده

چهارمین گروپ که در عین روز یعنی شب ۸/۷ از دست کمونستان به شهادت رسیدند عبارت بودند از: ۱- بریدجنرال طاهرخان لغمانی قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس، ۲- غلام نقشبند دشتی معین وزارت داخله، ۳- سمونیار میرگل قوماندان امنیه ولایت کابل.

پنجمین گروپ اشخاص ذیل بتاریخ لیل ۹/۸ به شهادت رسیدند عبارت اند از: ۱- دگرجنرال غلام حیدر رسولی وزیر دفاع ملی، ۲- دگر جنرال عبدالعزیز اعظمی لوی درستیز، ۳- برید جنرال عبدالعلی خان وردگ. ششمین گروپ اشخاص ذیل بتاریخ لیل ۱۳/۱۲ که از طرف روز به بالاحصار برده میشدند و از طرف شب در رادیو افغانستان نگاه داری میشدند به شهادت رسانده شدند. عبارت بودند از: ۱- جگرن صاحب جان خان قوماندان گارد، ۲- امین الله داماد محترم رسولی صاحب، که رئیس شرکت هوایی آریانا بود، ۳- ولی محمدخان قوماندان غند بالاحصار، ۴- دو قوماندانان کندک کوماندو که اسمای یکی شان هاشم خان بود، ۵- جگتورن محمدعالم خان ملک بابا پسر ملک بابا کنری که چند روز قبل از کودتا هفت ثور در تطبیقات کوماندوی پای شان شکسته بود و در شفاخانه چارصد بستر، بستر بود همراهی این گروپ یکجا به شهادت رسیدند.

هفتمین گروپ محبوسین سیاسی که در زیر زمینی های وزارت دفاع به شمول من قاسم باز محبوس بودیم به تاریخ لیل ۱۵/۱۴ ثور به شهادت رسیدند عبارت اند از.

۱- جناب محمد موسی شفیق صدراعظم، ۲- پوهاند وفی الله سمیعی وزیر عدلیه و لوی خانونال، ۳- جناب سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه، ۴- جناب جنرال عبدالله روکی سلیمان باجه اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، ۵- جناب جنرال عبدالقدیر خلیق، ۶- جناب محمد رحیم خان پنجشیری مصاحب حضور اعلیحضرت محمد ظاهرشاه،

هشتمین گروپ که در محبس پلچرخه به تاریخ لیل ۲۲/۲۱ جوزا به شهادت رسیدند عبارت اند از. پدرم و سه برادرم بالترتیب، ۱- بازمحمد خان پدرم، ۲- محمد حسن باز ولسوال چهاردهی کابل برادرم، ۳- سرفراز باز تاجر برادرم، ۴- عبدالمجید باز سریاور ریاست جمهوری برادرم، ۵- محمد اکبر رئیس دفتر جمهوری، ۶- جگرن یا دگرمن محمد هاشم خان ببرک زی یاور قوماندان قوای مرکز، ۷- سمونیار نصرالله امرخیل صاحب منصب پولیس، ۸- محمد گل ابراهیم خیل والی ولایت پکتیا، ۹- محترم صلاح الدین غازی پسر مرحوم شاه محمود خان غازی سابق صدراعظم.

من قاسم باز و دیگر برادرم بنام عبدالولی باز دوهم بریدمن قطعه کوماندو تقریباً یک سال در زندان ماندیم. با عرض احترام

د پانو شمیره: له 9 تر9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ